بِسم الله الرّحمن الرّحیم

**رویکرد‌‌های نظری**

**در پژوهش‌های گویشی**

**آتوسا رستم‌‌بيک تفرشي**

**(هیئت علمی پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي)**

**ویراستار: سیاوش صفری**

**صفحه‌آرا: جابر شیخ‌محمدی**

فهرست

سپاس‌گزاری 3

آغاز سخن 9

فصل اول: مقدمات 13

1.1 مقدمه 13

1.2 از زبان تا لهجه 14

1.2.1 معیار فهم متقابل 21

1.2.2 معیار استقلال و وابستگی 23

1.2.3 معیار قدرت و وحدت 24

1.2.4 معیار کمّی 24

1.3 مرزهای همگویی و پیوستار گویشی 25

1.4 زنجیرهای گویشی ( انتقال و تغییر زبانی) 27

1.5 متغیر زبانی 28

1.6 تاریخچۀ پژوهش‌های گویشی 30

1.7 پژوهش‌های گویشی در ایران 41

1.8 خلاصه 45

فصل دوم: جغرافیای گویشی 46

2.1 مقدمه 46

2.2 زبان‌شناسی تاریخی ـ تطبیقی 47

2.3 گویش‌شناسی سنتی 51

2.3.1 جغرافیای گویشی 55

2.3.2 گویش‌شناسی ساخت‌‌گرا 66

2.3.3 گویش‌شناسی زایشی 72

2.4 روش‌های دسته‌بندی ناحیه‌ای 73

2.5 خلاصه 80

2.6 فهرست برخی از اطلس‌‌های گویشی 81

فصل سوم: گویش‌شناسی اجتماعی 84

3.1 مقدمه 84

3.2 زبان به مثابهٔ یک حقیقت اجتماعی 85

3.3 زبان‌شناسی اجتماعی 86

3.4 گویش‌شناسی اجتماعی 88

3.5 گویش‌شناسی به مثابهٔ شاخه‌‌ای از زبان‌شناسی اجتماعی؟ 90

3.6 مفاهیم بنیادی در گویش‌شناسی اجتماعی 92

3.6.1 گویش منطقه‌ای در مقابل گویش اجتماعی 92

3.6.2 گونۀ زبان‌شناسی اجتماعی 93

3.6.3 جغرافیای گویشی در مقابل گویش‌شناسی اجتماعی 93

3.6.4 گویش محلی 94

3.6.5 سبک 94

3.6.6 متغیر زبانی 95

3.6.7 تنوع زبانی و تغییر زبان 96

3.6.8 تنوع ناحیه‌‌ای در مقابل تنوع اجتماعی 97

3.6.9 برخورد / تماس گویش‌‌ها 99

3.6.10 پراکندگی 102

3.7 روش پژوهش در گویش‌شناسی اجتماعی 107

3.8 خلاصه 114

فصل چهارم: گویش‌شناسی ادراکی 115

4.1 مقدمه 115

4.2 گویش‌شناسی ادراکی 116

4.3 روش پژوهش در گویش‌شناسی ادراکی 120

4.4 رویکردی تلفیقی در مطالعات گویش‌شناسی 132

4.5 خلاصه 135

فصل پنجم: گویش‌شناسی پیکره‌بنیاد و گویش‌سنجی 136

5.1 مقدمه 136

5.2 زبان‌شناسی پیکره‌ای 137

5.3 گویش‌شناسی پیکره‌‌بنیاد 140

5.3.1 روش‌های تهیۀ پیکرۀ گویشی 144

5.3.2 تحلیل پیکره‌های گویشی 148

5.4 گویش‌سنجی 152

5.4.1 گویش‌سنجی و بررسی ناحیه و پیوستار گویشی 155

5.4.2 روش‌های گویش‌سنجی 156

5.5 گویش‌سنجی پیکره‌بنیاد 161

5.6 خلاصه 163

فصل ششم: رده‌شناسی گویشی و مستندسازی زبان 165

6.1 مقدمه 165

6.2 رده‌شناسی 166

6.3 گویش‌شناسی و رده‌‌شناسی 170

6.4 رده‌شناسی گویشی 175

6.5 زبان‌های در خطر و مستندسازی زبان 181

6.5.1 مرگ زبان‌ها 181

6.5.2 مستندسازی و توصیف زبان 186

6.6 خلاصه 202

پایان سخن 203

فهرست منابع 205

واژه‌‌‌نامه 237

واژه‌نامه (فارسي به انگليسي) 237

واژه‌نامه (انگليسي به فارسي) 250

پیوست : فهرست برخی از پژوهش‌های گویشی در ایران 263

فرهنگ‌های لغت و واژه‌‌نامه‌‌های گویشی 263

تک‌‌‌نگاشت‌‌ها 272

آثار ادبی (شعر، داستان) به گویش‌های مختلف 288

اطلس‌ها و راهنماهای گویشی 298

فهرست شکل‌ها

[شکل 2.1 انواع پرسش‌نامه در پژوهش‌های جغرافیای گویشی..................................60](#_Toc50316890)

[شکل 2.2 انواع پرسش‌ها در مطالعات جغرافیای گویشی........................................62](#_Toc50316891)

[شکل 2.3 رویکرد تاریخی ـ تطبیقی به پژوهش‌های گویشی....................................79](#_Toc50316892)

[شکل 2.4 رویکرد جغرافیای گویشی..............................................................80](#_Toc50316893)

[شکل 3.1 روش پژوهش در گویش‌شناسی اجتماعی...........................................112](#_Toc50316894)

[شکل 4.1 سه رویکرد به داده‌های زبانی.........................................................117](#_Toc50316895)

[شکل 4.2 غربی‌ترین ناحیۀ برابانت شمالی با استفاده از روش پیکان‌های کوچک............121](#_Toc50316896)

[شکل 4.3 ناحیه‌های گویشی هلندی............................................................122](#_Toc50316897)

[شکل 4.4 ناحیه‌های کلی........................................................................125](#_Toc50316898)

[شکل 4.5 ناحیه‎های کلی........................................................................126](#_Toc50316899)

[شکل 4.6 ناحیه‎ها و گویش‌ها در کالیفرنیا......................................................126](#_Toc50316900)

[شکل 4.7 ناحیه‎های گفتاری میشیگان جنوب‌شرقی ...........................................128](#_Toc50316901)

[شکل 4.8 پاسخ به پرسش میزان خوشایندبودن گفتار در آلاباما................................130](#_Toc50316902)

[شکل 5.1 نمونه‌ای از نقشۀ کروپلت ............................................................160](#_Toc50316903)

[شکل 5.2 نمونه‌ای از نقشۀ پرتویی .............................................................161](#_Toc50316904)

[شکل 6.1 روش پژوهش در مطالعات رده‎شناختی..............................................174](#_Toc50316905)

[شکل 6.2 به سوی رویکردی یکپارچه در بررسی تنوع زبانی..................................176](#_Toc50316906)

**فهرست جدول‌ها**

[جدول 4.1 جایگاه گویش‌شناسی ادراکی درون زبان‌شناسی عامیانه...........................119](#_Toc50317230)

[جدول 4.2 رویکرد گفت‌وگویی فرضی به گویش‌شناسی.......................................134](#_Toc50317231)

[جدول 6.1 کاربردهای اصطلاح «توصیفی»....................................................189](#_Toc50317232)

[جدول 6.2 تفاوت گردآوری و تحلیل اولیۀ داده‌های زبانی......................................190](#_Toc50317233)

[جدول 6.3 جنبه‎های نظری و عملی مستندسازی زبان ........................................193](#_Toc50317234)

جدول 6.4 چهارچوب اصلی مستندسازی .....................................................195

# سپاس‌گزاری

از استاد بزرگوارم، جناب آقای دکتر عاصی، بی‌‌نهایت سپاس‌گزارم. هم در مقام ریاست محترم پژوهشکدۀ زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی که هیچ‌گاه برای دیدارشان با درِ بسته روبه‌رو نشده‌‌‌ام و هم در مقام استادم که هر پرسشی را با روی گشاده پاسخم داده‌‌اند.

از استاد ارجمند جناب آقای دکتر صفارمقدم، مدیر محترم گروه کاربردی زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی که راهنمایی‌های ارزشمندشان راه‌گشای این پژوهش بوده است، سپاس‌گزارم.

از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر مدرسی قدردانی می‌کنم که در مراحل مختلف این پژوهش از مشورت با ایشان بهره‌مند بوده‌ام.

سپاس‌گزار استاد بزرگوارم، سرکار خانم دکتر ایران کلباسی، هستم که بذر گویش‌شناسی را در دلم کاشتند.

# آغاز سخن

پژوهش‌های گویشی شامل بررسی‌های تاریخی ـ تطبیقی متمرکز بر گونه‌های زبانی، ریشه‌‌شناسی واژه‌ها و ترسیم درخت زبانی، بررسی تفاوت‌ها و تنوع‌های زبانی و گویشی به شیوۀ هم‎زمانی و یا درزمانی در جوامع زبانی مختلف در سطح یک یا چند ناحیۀ جغرافیایی، همچنین تلاش برای ثبت و حفظ تنوع‌‌های زبانی و جلوگیری از زوال و نابودی آن‌ها از دیرباز در کانون توجه گروه‌‌های مختلفی از پژوهشگران زبان‌‌شناس، مردم‌‌شناس و جامعه‌شناس و... قرار داشته‌اند. پژوهش‌های گویشی مانند سایر شاخه‌های زبان‌شناسی می‌توانند با رویکردها و اهداف متفاوتی انجام گیرند و در نیل به مقصود از روش‌‌ای کمّی و کیفی و ابزار گوناگون بهره گیرند. هر چند در استقلال این حیطه به عنوان شاخه‌‌ای مجزا در زبان‌شناسی و یا تلقّی آن به مثابهٔ زیرشاخه‌‌ای از زبان‌شناسی اجتماعی همواره اختلاف‌نظرهایی وجود داشته است که شاید تا حدی ناشی از پیوند میان تنوع‌های زبانی با مفاهیم و متغیرهای اجتماعی مانند قوم، نژاد، فرهنگ، مذهب، طبقۀ اجتماعی باشد. درعین‌حال، ماهیت در زمان تغییرات زبانی موجب شده ‌‌است که برخی گویش‌شناسی را شاخه‌‌ای از زبان‌شناسی تاریخی ‌ـ ‌تطبیقی در نظر گیرند. واقعیت این است که بررسی‌های گویشی نه‌تنها از منظر زبان‌شناسی حایز اهمیت‌اند، از منظر تاریخی و فرهنگی می‌توانند از رازهای پنهان بسیاری پرده بردارند. به این ترتیب، شاید اختلاف‌نظرها و مباحث مرتبط با این حیطه را نیز بتوان ذاتِ چنین پدیدۀ زبان ‌ـ ‌جامعه‌شناختی دانست و از آن استقبال کرد. گویش‌شناسی مستقل باشد یا نباشد، فصل مشترک این رویکردهای مختلف تأکید بر اهمیت ثبت و توصیف و بررسی گویش‌‌ها به مثابهٔ منابع غنی زبانی و فرهنگی است که گویش‌شناسی را به حیطه‌ای کاربردی مبدل ساخته است. زبان‌شناسی، تاریخ، باستان‌شناسی، واژه‌سازی، قوم‌شناسی، انسان‌شناسی، جغرافیا و جامعه‌شناسی تنها برخی از حیطه‌هایی‌اند که می‌توانند از داده‌های گویشی بهره گیرند. اهمیت پژوهش‌های گویشی زمانی دوچندان می‌شود که سخن از زوال یک گونۀ زبانی خاص و کهن مطرح به میان آید. همایون (1390) در پیش‌گفتار کتاب *واژه‌‌نامۀ شصت و هفت گویش ایرانی* (کیا، 1390) در تأیید اهمیت پژوهش‌های گویشی به کاربرد اطلاعات گویشی در واژه‌سازی و یافتن معادل مناسب برای سیل واژه‌‌های جدید از زبان‌های غربی به فارسی اشاره می‌کند. او با اشاره به تأثیر تسلط زبان رسمی از طریق وسایل جمعی الکترونیکی و آشنایی و اصرار گویشوران بر کاربرد زبان رسمی به ‌‌جای گویش‌‌ها بر زوال گویش‌های منطقه‌ای یا ازبین‌بردن واژه‌های اصیل و کهن آن‌‌ها گردآوری بازماندۀ گویش‌ها را ضرورتی انکارنشدنی می‌داند. خطر زوال گویش‌های ناحیه‌ای و زبان‌های اقلیت، به‌ویژه در سال‌های اخیر، نه‌فقط در ایران بلکه در سراسر جهان توجه بسیاری از زبان‌شناسان و سازمان‌ها و علاقه‌مندان حفظ میراث فرهنگی را به خود جلب کرده است و منابع مادی و معنوی گسترده‌ای برای حفظ زبان‌ها و گویش‌های در خطر اختصاص یافته است. حسن‌‌دوست (1389: ۹) نیز در اهمیت حفظ گویش‌های ایرانی در پیش‌گفتار *فرهنگ تطبیقی ‌ـ موضوعی گویش‌های ایرانی نو* به تأثیر گسترش زبان فارسی در محدودۀ سیاسی ایران، به سبب آموزش آن در مدارس، انتشار کتاب، روزنامه و جز آن، و فراگیرشدن برنامه‌های رادیو و تلویزیون بر رنگ‌‌باختی و فراموش‌شدن گویش‌های محلی تأکید کرده است.

گویش‌شناسی نیز همچون سایر علوم در گذر زمان دستخوش دگرگونی شده ‌‌است. پژوهش‌های گویشی در آغاز، متأثر از زبان‌شناسی ‌تاریخی ـ تطبیقی، بر تنوع‌‌های درزمانی و روابط خویشاوندی زبان‌ها متمرکز بودند. سپس، جنبه‌‌های توصیفی و هم‎زمانی موردتوجه بیشتر قرار گرفتند و هم‎زمان با رویکردهای ساخت‌گرا و زایشی در زبان‌شناسی از گویش‌شناسی ساخت‌گرا و زایشی نیز سخن به میان آمد. در آن زمان، بررسی تنوع‌‌های زبانی متأثر از پراکندگی‌‌های جغرافیایی هستۀ اصلی مطالعات به‌‌ شمار می‌‌آمد. در نیمه‌‌های قرن بیستم، توجه به چندبعدی‌بودن تنوع‌‌های زبانی و گویشی از یک سو و اهمیت‌یافتن مطالعات میان‌‌رشته‌‌ای از سوی دیگر عرصه را برای پژوهش‌کردن در حوزۀ گویش‌شناسی اجتماعی فراخ‌‌تر کرد و بررسی رابطۀ میان تنوع زبانی و متغیرهای اجتماعی در مرکز توجه قرار گرفت. در همین زمان، برخی گویش‌‌شناسان، با تأکید بر اهمیت نگرش‌‌های زبانی در میان عامۀ مردم، به بررسی ادراک زبانی پرداختند و گویش‌شناسی ادراکی را بنیان نهادند. گویش‌شناسی ادراکی، که با گویش‌شناسی اجتماعی پیوندی عمیق دارد، محور پژوهش‌‌های گویشی بسیاری بوده و هست. از سوی دیگر، انقلاب دیجیتال و تحول و ارتقای ابزارهای ثبت، تحلیل و نمایش‌‌ داده‌های گویشی و ورود نرم‌افزارهای گوناگون به این حیطه و تکیه بر اهمیت تحلیل‌‌های آماری چندمتغیره در تبیین تنوع‌‌های زبانی به شکل‌گیری حیطه‌‌های جدیدی چون گویش‌شناسی پیکره‌بنیاد و گویش‌سنجی منجر شد. پیکره‌های گویشی امکان بررسی انواع مشخصه‌‌های زبانی، به‌‌ویژه صرفی و نحوی، را ممکن کرده است و این خود رابطۀ میان گویش‌شناسی و رده‌شناسی زبان را بیش‌ازپیش پُررنگ کرده است تا آنجا که سخن از رده‌شناسی گویشی به میان آمده است. در نهایت، آنچه که همواره از رسالت‌‌های اصلی پژوهش‌های گویشی به ‌‌شمار می‌‌آید نگه‌داری و ثبت زبان‌ها و گویش‌‌ها به مثابهٔ گنجینه‌های فرهنگی اقوام است. فرآیندی که امروزه با عنوان مستندسازی زبان تا آنجا اهمیت یافته است که در بعضی کشورها به عنوان یک رشتۀ دانشگاهی آموزش داده می‌‌‌شود.

در این جستار تلاش شده است شرحی موجز و مقدماتی از رویکردهای سنتی و جدید در گویش‌‌شناسی با ارجاع به منابع دست‌اول و معتبر فراهم آید تا مخاطب این اثر بتواند با آشنایی مقدماتی با رویکردها و منابع اصلی آن‌ها، در حوزۀ موردعلاقۀ خود، مطالعات عمیق‌‌تر و تخصصی‌‌تری به انجام رساند. مطالب در قالب شش فصل تدوین شده‌‌اند: در فصل اول، که مقدمات را در بر می‌گیرد، به مفاهیم بنیادی و کلیدی در گویش‌شناسی پرداخته می‌شود و تاریخچۀ مختصری از پژوهش‌های گویشی توسط پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی ارائه می‌شود. فصل دوم بر پژوهش‌های گویشی از منظر زبان‌شناسی تاریخی ـ تطبیقی و جغرافیای گویشی (گویش‌شناسی منطقه‌ای) به عنوان رویکردهای سنتیِ گویش‌‌شناسی متمرکز است. در فصل‌‌ سوم با عنوان «گویش‌شناسی اجتماعی»، اهمیت توجه به متغیرهای اجتماعی در پژوهش‌های گویشی و نیز روش‌‌شناسی پژوهش در این حوزه بحث و بررسی می‌شود. فصل چهارم به «گویش‌شناسی ادراکی» اختصاص دارد و اهمیت آگاهی از نگرش‌‌های زبانی اعضای جامعه در شناسایی مرزهای زبانی یا اهمیت تفاوت‌‌های زبان‌شناختی بین گونه‌های زبانی شرح داده می‌‌شود. در فصل پنجم با عنوان «گویش‌شناسی پیکره‌بنیاد و گویش‌سنجی»، به تحول در پژوهش‌‌های گویشی با گسترش ابزارها و تحلیل‌های رایانه‌ای پرداخته می‌شود. در فصل ششم با عنوان «رده‌شناسی گویشی و مستندسازی زبان»، از یک سو کاربرد داده‌های گویشی در مطالعات رده‌شناسی زبانی و بالعکس و از سوی دیگر مستند‌‌سازی زبان‌های در خطر و شیوه‌‌ها و اهمیت آن مورد بررسی قرار می‌‌گیرند. در پایان، در بخش پیوست، فهرستی از کتاب‌های منتشرشده در ایران در حوزۀ مطالعات گویشی ارائه می‌گردد تا تصویری از تنوع موضوعی و روش‌‌شناختی در این حوزه به دست داده شود و مشخص شود در کدام‌‌یک از حوزه‌‌ها یا در مورد کدام‌‌یک از زبا‌ن‌ها و گویش‌ها با غنا و تعدد پژوهش مواجهیم و در مورد کدام‌‌یک با فقر توجه و پژوهش‌‌های معدود. این فهرست علاوه‌بر معرفی منابع به دانشجویان و علاقه‌‌مندان این حوزه، چشم‌‌‌انداز وسیع و ابعاد گوناگون پژوهش‌های گویشی را نیز آشکار می‌سازد.

# فصل اول: مقدمات

## 1.1 مقدمه

فصل پیشِ رو با عنوان مقدمات بر دو موضوع کلی متمرکز است. اول، شرح مفاهیم بنیادی در حوزۀ گویش‌شناسی[[1]](#footnote-1) و بحث و بررسی برخی از ابهامات ذاتی این مفاهیم و راهکارهای ارائه‌‌شده برای رفع آن‌‌ها. دوم، ارائۀ تاریخچۀ مختصری از پژوهش‌های گویشی تأثیرگذار و پیشرو در جهان و ایران. با اینکه در بسیاری از این پژوهش‌ها، به‌ویژه با رویکرد سنتی، شناسایی مرزهای گویشی و طبقه‌بندی گویش‌ها و لهجه‌ها از اهداف اصلی پژوهش بوده‌اند، در ارائۀ تعریف و معیار عینی و دقیقی که بتوان با استفاده از آن گفتار جوامع زبانی مختلف را با برچسب‌های زبان و گویش و لهجه دسته‌بندی کرد تردیدها و موانع بسیاری وجود دارد و این دسته‌بندی‌ها در نهایت با توجه به اهداف پژوهش یا رویکرد نظری اتخاذشده تغییر می‌کنند. با توجه به اهمیت این مفاهیم، این فصل با تعریف زبان، گویش، لهجه، گونه و معیارهای ارائه‌شده برای تمییز و تشخیص آن‌‌ها از یکدیگر آغاز می‌‌شود. سپس، مفهوم مرز همگویی، که کاربردی دیرینه در پژوهش‌های گویشی داشته‌ است، شرح داده می‌شود و تردیدهایی که دربارهٔ وجود مرزهای زبانی و گویشی قطعی مطرح‌اند با اشاره به دلایل و شواهد مورد بحث قرار می‌گیرند و مفاهیم پیوستار گویش‌‌ جغرافیایی و پیوستار گویش اجتماعی معرفی می‌گردند. زنجیرهای گویشی، تغییر زبان، متغیر زبانی و بازنمایی گویش در متون نوشتاری از دیگر موضوعاتی‌اند که در این فصل به آن‌‌ها پرداخته می‌‌شود. در شرح تاریخچۀ گویش‌شناسی ابتدا به خاستگاه پژوهش‌های گویشی و انگیزه و اهداف رویکردهای سنتی گویش‌شناسی اشاره می‌شود. سپس، سیر تحول این پژوهش‌ها و دلایل و اهداف پیدایش رویکردهای نوین شرح داده می‌شوند. در بررسی تاریخچۀ گویش‌شناسی در ایران، به نخستین طرح‌های ملی و آثار پیشرو در هر شاخه از گویش‌شناسی پرداخته می‌شود.

## 1.2 از زبان تا لهجه

زبان[[2]](#footnote-2) چیست؟ شاید بتوان گفت که این پرسش یکی از قدیمی‌‌ترین پرسش‌‌های تاریخ بشریت است که ردپای آن در همه‌‌جا از اسطوره‌‌های باستانی و داستان‌‌های مذهبی گرفته تا فلسفه و تاریخ و زبان‌شناسی دیده می‌شود. به باور نوسل[[3]](#footnote-3) (2006: 665 ـ 666)، «پاسخ به این پرسش بنیادی کار آسانی نیست. تعریف استادان زبان‌شناسی اغلب این‌گونه است: زبان یک نظام قراردادی متشکل از نشانه‌‌های آوایی (یا دیداری) است که اعضای یک جامعۀ زبانی با هدف برقراری ارتباط به کار می‌گیرند. این تعریف شش عنصر را در بر دارد. اول، قراردادی است، زیرا آواها و صورت‌های زبانی در زبان‌های مختلف با هم تفاوت دارند و رابطۀ صورت زبانی و معنی آن تقریباً همواره قراردادی است. دوم، نظام‌مند است، زیرا از تعداد محدودی قاعده برای خلق تعداد نامحدودی از ترکیب‌های ممکن استفاده می‌کند (در سطوح واج‌شناسی، ساخت‌واژه، نحو، واژگان، معناشناسی). سوم، به ‌طور کلی صوتی است، هر چند در برخی از زبان‌ها مانند زبان اشاره از نشانه‌های دیداری استفاده می‌شود. چهارم، نمادین است، زیرا آواها و نشانه‌های دیداری‌اش مفاهیم و عقاید را بازتاب می‌دهند. پنجم، اعضای یک جامعۀ زبانی از زبان خاصی برای بیان فرهنگشان استفاده می‌کنند. در نهایت، جامعۀ زبانی از زبان برای بیان باورها، احساسات و عواطفش استفاده می‌کند.» نوسل (همان: 678) همچنین معتقد است: «زبان ابزاری چندنقشی است که به ما به عنوان موجوداتی اجتماعی امکان می‌‌دهد که نه‌‌تنها در زندگی روزمره‌‌مان بلکه با استفاده از فنّاوری‌‌های جدید با مردم سراسر دنیا در تعامل باشیم. ثبت وقایع گذشته و حال با استفاده از زبان ممکن شده است و نظام نوشتاری نمایانندۀ گذشتۀ ماست. این حقیقت که محتوای فرهنگی نیز به شیوه‌‌های مختلف و ظریفی در زبان رمزگذاری می‌شود بر اهمیت زبان می‌افزاید. انتخاب واژگانمان و صورت‌‌های دستوری خاصی که به‌‌ کار می‌‌بریم نمایانندۀ ادراک ما از جهان است. اروینگ گافمن[[4]](#footnote-4) معتقد است که همۀ مراودات اجتماعی ما گرد زبان می‌‌چرخد و چه‌بسا گاهی گرد نبود آن (سکوت). هنگام استفاده از زبان حجم قابل‌ملاحظه‌‌ای از اطلاعات متوازی دربارۀ خود و باورهایمان به شیوه‌ای غیرمستقیم رمزگذاری می‌‌شود.»

نکتۀ جالب‌توجه این است که هنوز دربارهٔ زبان‌های دنیا اطلاعات دقیق و کافی نداریم. حتی دربارۀ اینکه چند زبان در دنیا وجود دارد نیز توافق عام وجود ندارد. هر چه بیشتر آگاهی می‌‌یابیم، شمارۀ زبان‌ها نیز بیشتر می‌‌شود. در نیمۀ اول قرن بیستم، تعداد زبان‌ها بین 2500 تا 3500 تخمین زده می‌‌شد (گِرِی[[5]](#footnote-5)، 1939: 418) ولی در اوایل نیمۀ دوم قرن بیستم تعداد زبان‌ها بین 4000 تا 7000 برآورد ‌‌شد (سامارین، 1387: 9) و امروزه نیز حدود 7000 تخمین زده می‌شود.[[6]](#footnote-6) درعین‌حال، همان‌طور که وارداف[[7]](#footnote-7)(2006: 25) اشاره کرده است: «همۀ زبان‌ها تنوع درونی دارند و به گونه‌های[[8]](#footnote-8) مختلفی دیده می‌‌شوند و به‌نوعی مجموعه‌‌ای از این گونه‌‌ها هستند.» هادسون[[9]](#footnote-9) (1996: 22) گونه را «مجموعه‌‌ای از اقلام زبانی با توزیع مشابه» تعریف می‌‌کند که بر طبق آن انگلیسی کانادایی، انگلیسی لندنی، انگلیسی مفسران فوتبال و غیره را نیز می‌توان یک گونۀ زبانی به ‌‌شمار آورد. به عبارتی، می‌‌توان با توجه به توزیع اجتماعی مشابه اقلام زبانی موردنظر، همۀ زبان‌های گویشوران یا جامعه‌‌ای چندزبانه را به مثابهٔ یک گونۀ واحد در نظر گرفت. بنابراین، یک گونه می‌‌تواند بزرگ‌تر از یک زبان واحد باشد و یا کوچک‌تر، حتی کوچک‌تر

از آنچه به طور سنتی گویش[[10]](#footnote-10) نامیده می‌شود. فرگوسن[[11]](#footnote-11) (1972: 30) تعریف دیگری از گونه ارائه می‌‌دهد: برای آنکه بتوانیم پیکره‌‌ای از الگوهای زبان انسان را گونه بنامیم، باید دو ویژگی داشته باشد: اول، به اندازۀ کافی همگن باشد که بتوان آن را با استفاده از فنون رایج توصیف هم‎زمانی[[12]](#footnote-12) تحلیل کرد. دوم، عناصر زبانی و آرایش و فرآیندهایشان به لحاظ معنایی به اندازه‌‌ای وسیع باشد که در همۀ بافت‌های ارتباطی رسمی کاربرد داشته باشند. به واژۀ به اندازهٔ کافی همگن توجه داشته باشید، به این معنی که همگن‌بودن کامل لازم نیست، زیرا همواره نوعی از تنوع وجود دارد که تفاوت بین زبان، گویش یا گفتار گروهی از گویشوران یک گویش یا در نهایت هر یک از افراد آن گروه را شکل می‌‌دهد. چنین تنوعی از اصول بنیادی زبان‌شناسی به شمار می‌‌آید. نقطۀ مشترک تعریف هادسون و فرگوسن اشاره به اقلام یا الگوهای زبانی (یعنی آواها، واژه‌‌ها، مشخصه‌‌های دستوری و غیره) است که می‌‌توانیم آن‌‌ها را با برخی عوامل خارجی (مانند ناحیۀ جغرافیایی یا گروه اجتماعی) مرتبط دانیم. در نتیجه، با شناسایی چنین مجموعۀ خاصی از اقلام یا الگوهای زبانی می‌‌توانیم از گونه‌هایی چون انگلیسی استاندارد، کاکنی[[13]](#footnote-13)، گفتار طبقهٔ پایین شهر نیویورک، انگلیسی آکسفوردی[[14]](#footnote-14)، انگلیسی مهمانی عصرانه و غیره (نگاه کنید به وارداف، 2006: 25) و یا از فارسی کرمانی، فارسی چاله‌میدانی یا فارسی معیار نیز سخن برانیم.

در مطالعات گویش‌شناسی معمولاً جنبه‌‌ای از تعریف زبان مدنظر است که زبان را در تقابل با گویش قرار دهد. به عبارتی، تفاوت گویش و زبان از موضوعاتی است که همواره در گویش‌شناسی به آن پرداخته شده است. درحالی‌که مردم معمولاً می‌‌دانند به چه زبانی صحبت می‌‌کنند، ممکن است در تشخیص اینکه زبانشان زبان است یا گویش مشکل داشته باشند که البته چندان هم دور از انتظار نیست: دقیقا چگونه می‌‌توان تشخیص داد که کدام زبان است و کدام گویش.

به تعریف وارداف (2006: 27) گاهی زبان و قومیت به‌نوعی هم‌‌معنی در نظر گرفته می‌‌شوند. برای نمونه، چینی‌ها و ژاپنی‌‌ها و کره‌‌ای‌‌ها به‌ترتیب چینی و ژاپنی و کره‌‌ای صحبت می‌‌کنند. یک چینی بسیار متعجب می‌‌شود اگر ببیند یک فرد چینی دیگر چینی صحبت نمی‌‌کند. این موضوع باعث شده است که حتی در مواردی که دو گروه قومی مختلف به زبان واحدی صحبت می‌کنند، ادعاهای باورنکردنی مبنی‌بر عدم‌درک زبانی بین دو قوم مشاهده شود، مانند ژاپنی‌‌هایی که ادعا می‌‌کنند زبان قفقازی‌‌هایی را که به روانی ژاپنی حرف می‌‌زنند متوجه نمی‌‌شوند. چنین ارتباط قوی‌ای بین زبان و قومیت در شکل‌‌گیری ملت‌‌ها می‌‌تواند مشکل‌‌ساز هم باشد، به‌ویژه وقتی فرد به دنبال یافتن هویت جدیدی باشد، مانند افرادی که هم چینی هستند و هم امریکایی یا کره‌ای‌هایی که بیشتر کانادایی هستند و نه کره‌‌ای ـ کانادایی. بسیاری از امریکایی‌‌ها تمایلی ندارند که زبان و قومیت را با یکدیگر مساوی بدانند و با اینکه انگلیسی را زبان اصلی امریکایی‌‌ها به شمار می‌آورند، آن را یک برچسب قومی نمی‌‌دانند. به این ترتیب، برای تعریف زبان از چه معیاری می‌‌توان استفاده کرد؟ چه تفاوت اساسی بین زبان و گویش وجود دارد؟ در ادامه به تعابیر متفاوت از گویش اشاره می‌شود و برخی از معیارهای متمایزکنندۀ زبان و گویش معرفی می‌‌شوند.

زمردیان (1379: 13) گویش‌شناسی را گردآوری و توصیف گویش‌‌ها معرفی می‌‌کند که به نقل از دبیرمقدم (1392: 24) در زبان‌شناسی امروز، کاربرد بی‌‌نشان، خنثی و پیش‌‌فرض آن در واقع همان گویش جغرافیایی[[15]](#footnote-15) است، یعنی گونه‌هایی از یک زبان که بین گویشوران آن‌‌ها فهم متقابل وجود دارد اما با فاصلۀ جغرافیایی از هم واقع‌‌اند. اما در کنار گویش جغرافیایی از«گویش اجتماعی»[[16]](#footnote-16)، «گویش شهری»[[17]](#footnote-17)، «گویش فردی»[[18]](#footnote-18)، «گویش جنسیتی»[[19]](#footnote-19) و «گویش نسلی»[[20]](#footnote-20) نیز می‌‌توان سخن گفت. در هر مورد مبنای گوناگونی زبان عاملی متفاوت است، مانند عامل جغرافیایی، اجتماعی (همچون تحصیلات یا شغل)، فردی، جنسیتی، یا گروه سنی و فاصلۀ نسلی (همان‌جا).

به تعریف چمبرز[[21]](#footnote-21) و ترادگیل[[22]](#footnote-22) (2004: 3) در کاربرد عامیانه، گویش صورت غیراستاندارد و پایین‌‌تر و اغلب روستایی زبان به ‌‌شمار می‌‌آید و عموماً با رعایا، طبقۀ کارگر یا با گروه‌‌هایی که به لحاظ اجتماعی اعتبار و منزلت کمتری دارند پیوند خورده است. همچنین، برای اشاره به صورت‌‌هایی از زبان که به‌ویژه در نواحی دورافتادۀ دنیا صحبت می‌‌شود و صورت نوشتاری ندارد از اصطلاح گویش استفاده می‌‌شود. گویش را اغلب نوعی انحراف (معمولاً غلط) از صورت هنجار و معیار نیز در نظر می‌‌گیرند، ولی گویش‌‌شناسان شناخته‌شده‌‌ای چون ترادگیل (2004) هیچ‌‌یک از این تعابیر را مدنظر قرار نمی‌‌دهند و فرض را بر این می‌‌گذارند که همۀ گویشوران گویشور دست‌‌کم یک گویش هستند. به باور ایشان انگلیسی معیار، برای مثال، همان اندازه گویش است که هر صورت دیگر از زبان انگلیسی و به‌هیچ‌وجه به لحاظ زبان‌شناختی یک گویش از گویش دیگر برتر نیست. فرامکین[[23]](#footnote-23) و همکاران (2013: 563) گویش را این‌گونه تعریف کرده‌اند: گونه‌‌ای از زبان که دستور آن به شیوه‌‌ای نظام‌‌مند از سایر گونه‌‌ها متفاوت است. این تفاوت‌‌ها ممکن است واژگانی، آواشناختی، نحوی و معنایی باشند و کریستال[[24]](#footnote-24) (1991: 102) گویش را گونۀ زبانی خاص یک ناحیه یا یک گروه اجتماعی می‌‌داند که توسط مجموعه‌‌ای از واژه‌‌ها و ساختارهای دستوری از دیگر گونه‌ها متمایز می‌‌شود. علاوه‌بر گویش، که به گونۀ زبانی یک جامعۀ زبانی اشاره دارد، می‌‌توان از گویش فردی برای اشاره به ویژگی‌‌های زبانی تک‌تک افراد نیز سخن راند که زبان یک فرد شامل همۀ پاره‌‌گفتارهای محتمل و یا برون‌داد زبانی فرد (و نه دانش درونی در ذهن) را شامل می‌‌شود. در مطالۀ گویش فردی، آن الگوهای تنوع زبانی موردتوجه است که فرد را از سایر گویشوران متمایز می‌‌کند (هازن[[25]](#footnote-25)، 2006: 512).

گاهی افرادی که به شیوۀ یکسانی صحبت می‌‌کنند ممکن است به این دو پرسش که «به چه زبانی صحبت می‌کنی؟» و «به چه گویشی صحبت می‌‌کنی؟» پاسخ کاملاً متفاوتی بدهند. به باور هاگن[[26]](#footnote-26)(1966a) این دو اصطلاح مبهم‌اند. مردم عادی این دو اصطلاح را آزادانه در گفتارشان به کار می‌‌برند، برای آن‌‌ها یک گویش تقریباً چیزی بیشتر از گونۀ محلی بدون پرستیژ (و بنابراین بدون قدرت) یک زبان واقعی نیست. در مقابل، برای محققان معمولاً تصمیم‌‌گیری دربارۀ اینکه در کدام موقعیت کدام اصطلاح باید استفاده شود بسیار دشوار است. همان‌گونه که هاگن می‌گوید این دو اصطلاح در واقع نمایانندۀ یک تقسیم‌‌بندی دوتایی ساده در موقعیتی بسیار پیچیده‌اند.

به باور وارداف (2006: 28)، شاید بتوان گفت که این سردرگمی به دوران یونان باستان بازمی‌‌گردد. زبان یونانی مربوط به یونان باستان در واقع مجموعه‌‌ای است از گونه‌های محلی مجزا (آیونیک[[27]](#footnote-27)، دوریک[[28]](#footnote-28) و آتیک[[29]](#footnote-29)) که در نتیجۀ واگرایی (اشتقاق) از یک منبع گفتاری مشترک به وجود آمده‌‌اند و هرگونه سنت‌‌ها و کاربردهای ادبی خاص خودش را داشته است. برای نمونه، آیونیک برای تاریخ، دوریک برای سرودخوانی و غزل، آتیک برای نمایش استفاده می‌‌شده‌‌ است. بعدها، در نتیجۀ هم‌گرایی گونه‌های گفتاری مختلف با گویش آتنی، که مرکز اصلی فرهنگی و اداری بود، یونانی آتنی[[30]](#footnote-30) به عنوان کوینه[[31]](#footnote-31) یا گویش مشترک گونۀ هنجار زبان گفتاری شد. به باور هاگن، موقعیت یونان الگوی کاربردهای بعدی این دو اصطلاح با ابهام حاصل از آن شد. زبان برای اشاره به یک هنجار زبانی واحد[[32]](#footnote-32) یا مجموعه‌‌ای از هنجارهای به‌هم‌مرتبط به کار می‌رفت و گویش به یکی از آن گونه‌های معیار اطلاق می‌‌شد. این موقعیت با تمایزی که در زبان فرانسه بینun»«dialecte» و «un patois» قایل می‌‌شدند پیچیده‌‌تر شد. اصطلاح اول به گونه‌های ناحیه‌‌ای یک زبان اطلاق می‌‌شود که سنت ادبی دارد و اصطلاح دوم برای اشاره به گونۀ ناحیه‌‌ای است که سنت ادبی ندارد. در زبان انگلیسی گویش هم برای اشاره به گونه‌های محلی انگلیسی، برای مثال، گویش یورکشایر[[33]](#footnote-33) و هم برای گونه‌های مختلف طبقهٔ پایین یا روستایی به کار می‌‌رود. بنابراین، به طور کلی مشخص نمی‌‌شود که آیا این گویش‌‌ها بخشی از «یک زبان» هستند یا نه. در واقع، معمولاً گویش را خارج از زبان و غالباً هم‌معنی با غیرمعیار یا

1. . dialectology [↑](#footnote-ref-1)
2. . language [↑](#footnote-ref-2)
3. . F. Nuessel [↑](#footnote-ref-3)
4. (1922-1982) E. Goffman 1. [↑](#footnote-ref-4)
5. . L. H. Gray [↑](#footnote-ref-5)
6. . https://www.ethnologue.com/ [↑](#footnote-ref-6)
7. . R. Wardhaugh [↑](#footnote-ref-7)
8. . variety [↑](#footnote-ref-8)
9. . R. A.Hudson [↑](#footnote-ref-9)
10. . dialect [↑](#footnote-ref-10)
11. . C.A. Ferguson [↑](#footnote-ref-11)
12. . synchronic [↑](#footnote-ref-12)
13. . Cockney [↑](#footnote-ref-13)
14. . Oxford English [↑](#footnote-ref-14)
15. . geographical dialect/ geolect [↑](#footnote-ref-15)
16. . social dialect/ sociolect [↑](#footnote-ref-16)
17. . urban dialect [↑](#footnote-ref-17)
18. . idiolect [↑](#footnote-ref-18)
19. . genderlect [↑](#footnote-ref-19)
20. . generationlect [↑](#footnote-ref-20)
21. . J. K. chambers [↑](#footnote-ref-21)
22. . P. Trudgill [↑](#footnote-ref-22)
23. . V. Fromkin [↑](#footnote-ref-23)
24. . D. Cristal [↑](#footnote-ref-24)
25. . K. Hazen [↑](#footnote-ref-25)
26. . E. Haugen [↑](#footnote-ref-26)
27. . Ionic [↑](#footnote-ref-27)
28. . Doric [↑](#footnote-ref-28)
29. .Attic [↑](#footnote-ref-29)
30. . Athenian Greek [↑](#footnote-ref-30)
31. . koiné [↑](#footnote-ref-31)
32. . single linguistic norm [↑](#footnote-ref-32)
33. . Yorkshire [↑](#footnote-ref-33)